

اتابك فتح الله زاده

أجاق سرد همسايه

تهران
انتشارات معین

سرشناسه:	فتح‌الله‌زاده، اتابک
عنوان و نام پدیدآور:	اجاق سرد همسایه / اتابک فتح‌الله‌زاده
مشخصات نشر:	تهران، معین، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری:	۲۲۷ ص: مصور، عکس
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۶۵-۰۰۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
موضوع:	ایرانیان - روسیه شوروی - خاطرات
موضوع:	روسیه شوروی - تاریخ ۱۹۳۵-۱۹۴۵ م - خاطرات
موضوع:	ایران - مهاجرت
موضوع:	روسیه شوروی - مهاجرت
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۷ ۳ الف ۲ ف / DK ۲۶۹
رده‌بندی دیویی:	۹۴۷/۰۸۴۰۹۲۲
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۱۱۸۰۹۱۸



انتشارات معین

روبه روی دانشگاه تهران، فخررازی، فاتحی داریان، پلاک ۲۹
صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۴۵ تلفن: ۶۶۹۷۷۳۷۲-۶۶۴۰۵۹۹۲

WWW.moin-Publisher.Com

E-mail: info@moin-Publisher.Com

فتح الله زاده، اناپک

اجاق مرد همسایه

اجرای طرح: مینو ارجمندی

حروفنگار: صدیقه رضی کاظمی

نمونه خوان: محمد صالحی

چاپ اول: ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لینوگرافی: صدف (۸۸۸۳۰۵۳۳)

چاپ: مهارت

حق چاپ محفوظ است.

تلفن پخش: ۶۶۴۱۴۲۳۰ - ۶۶۹۶۱۴۹۵ (پویای معین)

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیش‌گفتار.....
۹	اجاق سرد همسایه
۶۸	یادمانده‌های احمد محمدیان
۸۰	یادمانده‌های احمد شفیق
۸۴	یک سال زندان شوروی
۸۸	زندان چارجو
۹۰	زندان کا.گ. ب
۹۷	زندان کار
۱۰۰	عباس پهلوان در زندان
۱۰۵	فرزانه مشهدی
۱۰۸	برق گرفتگی
۱۱۰	آزادی از اردوگاه کار
۱۲۴	روزگار من در مسکو
۱۳۶	تلاش برای بازگشت به ایران
۱۴۳	خاطرات پراکنده از محمد روزگار
۱۴۳	سه چهره‌ی درخشان
۱۴۸	مرده‌ای که زنده شد
۱۵۲	مداد رابط
۱۵۷	قربان عارفی معروف به قربان بلوچ
۱۶۱	ادریس بابا
۱۶۳	در جستجوی پدر
۱۷۷	آن سوی آستارا
۲۰۴	آخر من پرنده کدام دیارم!
۲۰۹	گفت و گوی اتابک فتح‌الله زاده با روزنامه شرق

پیش‌گفتار

کتابی که پیش رو دارید خاطرات پراکنده ایرانیانی است که در آخرین دوران زمامداری استالین قدم به خاک شوروی گذاشتند. این بخش از ایرانی‌ها دست کم شانس آن را داشتند که به سرنوشت شوم مهاجران پیش از خود دچار نشوند، زیرا بسیاری از ایرانیان در تصفیه‌های خونین سال‌های ۱۹۳۵ - ۱۹۴۵ به فجیع‌ترین شکل از بین رفتند و آن بخش اندکی که از زندان‌ها و اردوگاه‌ها جان سالم بدر بردند به سبب جو خفقان مرگ‌بار نتوانستند هیچ رد و نشان مکتوب شده‌ای از خود باقی بگذارند. یکی از دغدغه‌های من در شوروی سابق به نوشته درآوردن خاطرات این عزیزان نسل دوم بود؛ اما به سبب فضای پلیسی، عملاً امکان گام برداشتن در این راستا نبود و حتی در فکر این زخم خوردگان هم نمی‌گنجید که بشود چنین کاری را انجام داد.

پس از فروپاشی شوروی، از انتهای تونل تاریک، نوری در افق چشم‌ها گشوده شد. پس از مدتی به این نتیجه رسیدم که نباید یادمانده‌های این عزیزان که در جمهوری‌های سابق شوروی پراکنده هستند همانند هزاران ایرانی بی‌نام و نشان ازین برود. اما شرایط کار و زندگی در اروپا به آواری مهاجری همچون من اجازه نمی‌داد که با آسودگی خاطر به سراغ این نگون‌بختانی که در اردوگاه‌های استالینی روزگار دهشت‌باری را سپری کرده بودند، به جمهوری‌های شوروی سابق سفر کنم. این کار وقت زیادی می‌طلبید و افزون بر آن ناچار می‌شدم از کار خود صرف نظر کنم و این

زندگی مرا متلاشی می‌کرد.

باری با گردش زمان، هرگاه خبر مرگ یکی از این عزیزان را می‌شنیدم غم بزرگی مرا فرا می‌گرفت، و از این که نتوانسته بودم از زبان شاهدان زنده اثری برای هموطنان خود باقی بگذارم افسرده می‌شدم. با این همه این را هم بگویم که خوشبختانه تنها تلاش ما به همت دکتر صفوی نتیجه‌ی مثبت داد و سرگذشت تکان دهنده ایشان در کتاب در ماگادن کسی پیر نمی‌شود انعکاس پیدا کرد.

پس از مدتی بر این فکر شدم که چرا خاطرات کسانی که در واپسین دوره‌های حکومت استالین، که به جرم‌های سبک (از جمله عبور غیر مجاز از مرز) به سه سال کار در اردوگاه‌های شوروی محکوم شدند به رشته نگارش در نیاید. به مرور به این باور رسیدم که شرح و بیان این عزیزان از فضای جامعه شوروی و اردوگاه‌ها دست کم می‌تواند منبعی هر چند کوچک برای پژوهشگران و علاقه‌مندان باشد.

من در اولین فرصتی که پس از ۲۲ سال به ایران برگشتم در شهرهای مشهد، آستارا و تهران به سراغ این بخش از هموطنانم رفتم. خوشبختانه آنان با گشاده‌رویی با من به صحبت نشستند که امیدوارم لایق اعتماد این عزیزان و بازتاب زندگی‌شان باشم. افزون بر این با دو نفر دیگر نیز که ساکن ایران نیستند مصاحبه انجام دادم.

یادآور می‌شوم من از کسانی که با آنان مصاحبه کردم این اجازه را دریافت نمودم که بخش‌های غیرضروری و تکراری را حذف و آن بخش‌هایی را که لازم به توضیح بیشتری دارند شرح و بسط دهم و یا توضیحات لازم را بیفزایم.

در خاتمه از تمام دوستان و آشنایانی که مرا در این کار یاری و تشویق کردند صمیمانه سپاسگزارم.

اتابک فتح‌اله‌زاده - اول مارس ۲۰۰۷ - استهکلم